

مطالعات و یا رعایت مساحت فازها و یا فاصله بین چاه‌های حفر شده در مخازن پارس جنوبی، به نوعی میزان استحصال گاز و یا ضریب افزایش استخراج گاز را کاهش داده است. در واقع آنچه در تمهیدات توتال مهم شمرده می‌شود این است که بعضاً تمام اقداماتی که توتال برای دستیابی به لایه‌های چهارگانه میدان پارس جنوبی انجام داده در راستای منافع کشور قطر بوده و در دو سه سال اخیر اقداماتی در خصوص شکایت بین‌المللی از این کشور انجام شده است، به گونه‌ای که سال ۹۴ یا ۹۵ کارشناسان نفتی متوجه این موضوع شدند که دستیابی به یکی از لایه‌های چهارگانه پارس جنوبی به طور کامل قطع بوده و اساساً چاه‌هایی که در این حوزه حفر شده مورد دسترسی شرکت‌های ایرانی قرار نگرفته است. شرکت توتال طبیعتاً بر اساس سیاست‌های بنگاهی خود و یا کشور خود این تصمیمات را گرفته و از ضعف کارشناسی و مدیران وقت و وزیر قبل سوءاستفاده کرده و به نوعی موجبات بحران امروزه استخراج گاز و یا بحران تولید گاز در کشور را رقم زده که اکنون بحران افت فشار و کاهش تولید داریم. بحرانی که در حوزه تولید گاز از مخازن وجود دارد با توجه به برآوردهای علمی انجام شده تا پایان برنامه نهم توسعه یعنی سال ۱۴۱۴، میزان تولید گاز که ما امروز داریم عموماً بالای

بهینه‌سازی مصرف گاز در کشور و به نوعی صرفه جویی در کلیه سطوح بخش‌های اقتصادی باشد که می‌تواند این بحران را کنترل کند و یا توانمندی دولت را در رویارویی با این بحران بیشتر نماید. نکته قابل توجه این است که آنچه در صنعت نفت وجود دارد بخش قابل‌تأملی از آن در حوزه کارشناسی و تخصصی در نفت است. اینکه دوستانی با این جایگاه که خود را ژنرال‌های نفتی قلمداد می‌کنند و این تصور را دارند که حتماً می‌توانند تأثیرگذار باشند و اساساً تاکنون هیچ اقدامی در نفت در حوزه رویارویی با این بحران در دولت گذشته اتفاق نیفتاده، این مفهوم ژنرال می‌تواند مخرب و یا فریب‌دهنده افکار تخصصی و کارشناسی در کشور باشد.

پای شرکت توتال در میان است

در بررسی سویه دیگری از موضوع باید به این نکته پرداخت که یکی از دلایلی که امروزه کشور با مقوله افت فشار گاز در میدان پارس جنوبی مواجه شده فارغ از عدم برنامه‌ریزی در توسعه فازها، به برنامه‌ریزی شرکت توتال به عنوان یک شرکت نفتی و مهم در توسعه و یا بهره‌برداری فاز ۲، ۱ و ۳ پارس جنوبی برمی‌گردد. گزارش‌های کارشناسی بر این موضوع دلالت دارند که اشتباهات عمدی یا سهوی شرکت توتال در خصوص

برنامه‌ریزی‌ها و اکتشافی که این شرکت برای فازهای ۲، ۱ و ۳ انجام می‌دهد، ارتباط دارد.

چگونه تراز گازی منفی می‌شود؟

علاوه بر اینها یک نکته قابل توجه وجود دارد که به برنامه‌ریزی یا عدم تولید صیانتی از این مخازن برمی‌گردد؛ اتفاقی که در دوره‌ها و دولت‌های قبل، وزرای قبلی نفت به آن توجه نکردند. طبیعی است به لحاظ کارشناسی وقتی منابع بسیار زیادی بدون برنامه‌ریزی از مخازن گازی استخراج شود، افت فشار به وجود می‌آید. در طول ۸ سال گذشته یعنی دولت یازدهم و دوازدهم هیچ‌گونه برنامه‌ریزی برای افزایش فشار گازها یا احداث ایستگاه‌های تقویت فشار در حوزه گازی کشور صورت نگرفته است، پس طبیعتاً این اتفاق خواهد افتاد. با توجه به میزان مصارف گازی در بخش‌های خانگی، حمل و نقل، صنعت، پتروشیمی، فولاد، سیمان و سایر بخش‌های گازبر در کشور، تاکنون هیچ‌گونه سیاست‌گذاری و یا اقدامی در حوزه صرفه‌جویی مصرف انرژی اتفاق نیفتاده و نتیجه این اقدامات منفی شدن تراز گازی کشور از باب تقاضا و عرضه است. با این حال پیش‌بینی می‌شود در پایان برنامه نهم توسعه، تولید گاز کشور به چیزی حدود ۴۰۰ میلیون مترمکعب برسد، چه بسا در برخی از مطالعات به ۲۵۰ میلیون مترمکعب در روز خواهد رسید. امروز حدود ۸۰۰ مترمکعب تولید می‌کنیم که حدوداً ۶۰۰ میلیون مترمکعب آن را به شکل شبکه گاز سراسری تزریق می‌کنیم. پس اگر با یک چنین افت فشاری در آینده روبرو باشیم، نه تنها نمی‌توانیم تعهدات بلندمدت قراردادهای صادراتی گاز را پوشش بدهیم، بلکه در تأمین گاز مصرفی خانوار و داخلی کشور نیز دچار بحران خواهیم شد. برای جلوگیری از بروز چنین رخدادهایی می‌توان اقداماتی انجام داد و یا اینکه دولت‌های قبلی بالاخص دولت گذشته که در آستانه شناسایی بحران بوده است، می‌توانست در طول ۸ سال اقداماتی انجام دهد. در حال حاضر نیز یکی از مهم‌ترین اقداماتی که می‌شود انجام داد و تاکنون در حوزه صنعت نفت به آن ورود نشده، تقویت و یا سرمایه‌گذاری ایستگاه‌های تقویت فشار در خطوط سراسری و در حوزه مخازن و چاه‌ها است. اقدام دیگر سرمایه‌گذاری در حوزه مخازنی غیر از پارس جنوبی نیز می‌تواند قابل اهمیت باشد و افزایش تولید را در کشور به همراه داشته باشد. از طرف دیگر اقدام بعدی می‌تواند تمرکز بر فرهنگ‌سازی و یا

یکی از دلایلی که امروزه کشور با مقوله افت فشار گاز در میدان پارس جنوبی مواجه شده فارغ از عدم برنامه‌ریزی در توسعه فازها، به برنامه‌ریزی شرکت توتال به عنوان یک شرکت نفتی و مهم در توسعه و یا بهره‌برداری فاز ۲، ۱ و ۳ پارس جنوبی برمی‌گردد.

